

**نویسنده:** لیلیا دی مونزو (Lilia D. Monzo).

**منبع و تاریخ نشر:** ما نتلی ربیو «2020-06-01».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

---

## استعمار ، مهاجرت ، همه گیری

Colonialism , Migration , Pandemic

شواهد تغیرنا پذیر مبنی بر اینکه سرمایه داری نژاد پرستانه  
وزن ستیزی است

**the immutable evidence that capitalism is Racist and  
Misogynist**



مجسمه جفرسون دیوس (Jefferson Daves) ریس جمهور کنفدراسیون ایالات  
متحده امریکا در خیابان پس از اعتراض معترضین واقع در ریچموند ویرجینیا دراز  
کشیده معلوم میشود

مجسمه **جفرسون دیوس** ریس کنفدراسیون ایالات متحده بعد از اینکه معترضین روز  
چهارشنبه آن را در ریچموند ویرجینیا پایین کشیدند در خیابان قرار دارد-منبع: آیهپینگ  
(Ai Heping) تندیس های کنفدراسیون که توسط معترضین در ایالات متحده تخریب  
میشوند

---

سرمایه داری نیروی برای تخریب است؛ حتی آنها یکه با قاطعیت با اسطوره های برابر با سرمایه داری و دموکراسی موافق هستند و آنرا «بهترین سیستم در جهان» اعلام میکنند؛ لزوم و یا ضرورت به اهلی کردن و یارام کردن عطش رنج اور خود را برای انباشت که اکثریت قریب به اتفاق جهان را برای زنده ماندن رها کرده است؛ می شناسند. چپ افراطی تعقیب گر و یا بدنبال «کارل مارکس» تصدیق میکنند که سرمایه داری نمیتواند اصلاح شود و از این رو باید که از بین برود؛ تا بدیلی ایجاد شود که به همه مردم اجازه دهد تا با عزت زندگی کنند؛ با این حال؛ چپ افراطی در جبهه های مختلف تقسیم می شود از جمله در مورد اینکه بین طبقه و نژاد چه ارتباط وجود دارد که به یقین درک نژاد از اهمیت مرکزی برخوردار است چونکه بر کلیه کارهای ضد سرمایه داری تاثیر میگذارد؛ نژاد پرستی بطور موثر طبقه کارگر را تقسیم میکند و از این طریق پتانسیل ما را برای توسعه یک جنبش جمعی چند جانبه علیه سرمایه داری به حداقل میرساند.

وقتی تاریخ توسعه سرمایه داری را بررسی می کنیم، بارها و بارها می بینیم که جهان غیر غربی و مردمان آن آواره شده اند تا راهی برای منافع مرد سفید پوست فراهم کنند. اگرچه مفهوم نژاد به عنوان ویژگی مشخص اقوام برای توجیه برده داری ایالات متحده ساخته شده است، هیچ تردیدی وجود ندارد که جنگ های نسل کشی که توسط استعمارگران و مهاجران سفید انجام شد، با تصورات بومی "دیگری" به عنوان بیگانه، غیر انسانی و استثمارگره خورده است. سرمایه داری استثمارگر این غارت سرزمین های خارجی برای بدست آوردن منابع، بردگی دنیای غیر غربی و تجاوز به زنان از سرشت و ذات آن بوده که امکان توسعه تولید انبوه، صنعتی شدن و اقتصاد جهانی سرمایه داری را فراهم می آورد. «1»

سرمایه داری یک ساختار نژادی جهانی است. اگرچه بسیاری از طبقه کارگر استثمار شده، سفید پوست هستند، اما مردم دارای رنگ، به ویژه زنان با داشتن رنگ جلد، عموماً متحمل رنج ورنجهای انسانی ناشی از سرمایه داری هستند. شکی نیست که استعمار و برده داری ایالات متحده سیستم های اقتصادی بودند، اما آنها همچنین حملات وحشیانه ای شان را به مردمان غیر غربی نیز انجام داده اند که آنها را در طول زمان به عنوان "حیوانات وحشی" شناخته اند. «2»

با حرکت و پیشروی به امپریالیسم های امروز؛ شخصیت های با مشخصات مشابهی از غیر «غیر غربی» را می بینیم؛ هرچند که دارای رنگ جزیی سیاسی صحیح تر است «3» این بیگانه ترسی نژادی کمتر قابل مریی با ظهور تقسیمات بیشتر و بیشتر توسط فرهنگ؛ قومیت و مذهب که بعداً بعنوان توجیحات ایدئولوژیک برای ملل فرعی عمل میکنند؛ البته از آنجا که نژاد یک سازه اجتماعی است؛

بر اساس قومیت؛ مذهب با سایر نشانه‌های اختلاف در دنیای غیر غربی؛ نژاد پرستی قابل استفاده است یا این حال؛ یک چیزی روشن باقی مانده است: نژاد پرستی و جلوه‌های استعماری و امپریالیستی آن؛ که نتیجه ساختاری و سلسله مراتب بنیادی بشر است؛ اینک استعمارگران و مهاجران سفید پوست بودند که این سلسله مراتب را بنا نهادند و خود را در راس و درصد آن قرار دادند؛ توجیه نسل‌کشی‌های جهان «کمتر از انسان» تصادفی نبوده است؛ این امر به مردان دیگر جنس‌گرا «علاقه‌مند به جنس مخالف» سفیدپوستان و دارای استعداد آشکار غرض ایجاد نظم سرمایه‌داری نژادپرستانه و تضمین‌کننده حاکمیت و رونق دوامدار آنها را در درون سیستم فراهم می‌آورد. «4»

مهاجرت اجباری جهانی امروز نتیجه‌ای طولانی از جابجایی فقرا در جنوب جهانی تحت تهدید جنگ، فقر و فاجعه زیست‌محیطی است. تصاویر رسانه‌ای افرادی که در جستجوی بقا و زندگی بهتر اند به مرزهای جدید می‌روند، که به یک "منوال عادی" پذیرفته شده تبدیل شده‌اند و بعضی اوقات حتی برخی از آنها نیز بی‌اعتنا می‌کنند. زنان و زنان بومی‌رنگ، نه تنها از تجا و زهای جسمی و عقیدتی استعمار بلکه از طرف همسالان مرد با خشونت بی‌نظیر روبرو می‌شوند، بلکه از طرف همسالان مرد نیز که از طریق رفتار جنسی، سعی می‌کنند در زندگی غیرقابل تحمل خود، نظریه‌ای از کنترل و قدرت پیدا کنند «5» جای تعجب ندارد. پس از آن، مهاجرت جهانی به یک مسئله فمینیستی تبدیل شده است، و بیشتر بر زنان رنگی و زنان بومی که سعی در فرار، غالباً با و برای فرزندان نشان دارند، از نا سازگاری‌هایی که با آنها روبرو می‌شوند، متأثر شده است.

در همین راستا، همه‌گیر «COVID-19» در ابتدا نژادپرستانه به عنوان "ویروس چینی" تلقی می‌شد، و باعث تقویت احساسات ضد آسیایی می‌شد و به دنیای غرب، با مجموعه برتر بودن خود، یک احساس غلط محافظت که منجر به هزاران کشته شد «6» در حالی که در ابتدا بر جوامع ثروتمند تر تأثیر می‌گذارد، شیوع ویروس و تلفات آن بار دیگر نژادپرستی ساختاری و سکسیسم جامعه آمریکا را برجسته کرده است. بدون شک، مانند همه بحران‌ها، تأثیر اقتصادی ویروس بر فقیرترین مردم بیشتر خواهد شد. بیش از حد توسط گروه‌های نژادپرستانه نشان داده می‌شود، که دستمزد ساعتی که با فروپاشی مشاغل کوچک از دست می‌روند و شغل‌های غیرمجاز از دست می‌رود، بیشتر است.

سرمایه‌داری یک شرکت نژادپرستانه و جنسیتی بوده و هست که تسلط جهانی یک طبقه سرمایه‌داری عمدتاً سفید و سفیدمردان را تضمین کرده است.

## نژادپرستی و استعمارگر استعمار سرمایه داری

بسیاری از محققان تندرو معتقدند که نژادپرستی با تفرقه بین طبقه کارگر و توجیه نابرابریها نقش مهمی در حفظ سرمایه داری ایفا می‌کند. این تحقق به عقب برمی‌گردد به «مارکس»، که از نژادپرستی و جنبش‌های ضد استعمار حمایت می‌کرد، نه فقط به این دلیل که او معتقد بود که آنها راه را برای آگاهی طبقاتی هموار می‌کنند، بلکه به این دلیل که آنها در برابر انقیاد مبارزه می‌کنند. همانطور که **مارکس** در پاسخ به جنگ داخلی آمریکا و مبارزات برای از بین بردن اظهار داشت: "زایمان با پوست سفید نمی‌تواند خودش را در جایی که با پوست سیاه **مارک** می‌شود رها سازد." «7»

اگرچه **مارکس** خواستار آگاهی طبقاتی در بین همه کارگران بود، اما او متوجه شد که سلسله مراتب انسانی و نژادپرستی انسانها طبقه کارگر را به طور قابل توجهی تقسیم می‌کنند. با توجه به طبقات کارگر انگلیس و ایرلند، **مارکس** در سال «1870» به دوستانش **سیگفرد مایر** و **آگوست وگت** نوشت:

در حال حاضر هر مرکز صنعتی و تجاری در انگلستان دارای طبقه کارگر است که به دو اردوگاه، پروتاریای انگلیسی و پرولتاریای ایرلندی تقسیم می‌شوند. این کارگر انگلیسی از کارگر ایرلندی به عنوان رقیبی که سطح زندگی خود را پایین می‌آورد متنفر است. ... وی خود را به عنوان عضوی از ملت حاکم قلمداد می‌کند، و به تبع آن، او به ابزاری برای اشراف و سرمایه داران انگلیسی در برابر ایرلند تبدیل می‌شود، بنابراین سلطه خود را تقویت می‌کند. خودش او تعصبات مذهبی، اجتماعی و ملی را نسبت به کارگر ایرلندی گرامی می‌دارد. نگرش او نسبت به او تقریباً همانند "سفیدپوستان فقیر" نسبت به نگروها «سیاه پوستان» در ایالات برده سابق ایالات متحده است. «8.»

«**مارکس**» ادامه می‌دهد:

این تضاد مصنوعی زنده و تشدید می‌شود و مطبوعات، منبر، کتاب‌های طنز به طور خلاصه با تمام وسایل در اختیار طبقات حاکم قرار می‌گیرند. این دشمن شناسی راز ناتوانی طبقه کارگر انگلیسی علی‌رغم تشکیلات آن است. این رازی است که طبق آن طبقه سرمایه داری قدرت خود را حفظ می‌کند. دومی کاملاً از این آگاه است «9»

مفهوم "نژاد"، که مردم را از طریق مشخصه‌های پیش فرض متمایز می‌کند، برای توجیه نابرابریها با سرزنش مظلومین به خاطر تعداد زیاد آنها در جامعه استفاده شده است. به طور کلی، سفیدپوستان در جوامع نسبت به اقلیت‌های قومی و نژادی بسیار بهتر از آن استفاده می‌شوند، از طریق ایدئولوژی شایسته سالاری که به نبوغ و انگیزه برتر افراد سفیدپوست پاداش می‌دهد، توضیح داده می‌شود. بر این اساس، **ریچارد وولف**

اظهار می‌دارد که، "به جای اینکه یک ایده تولید شده باشد، توجیهی سابق از ساختارهای زیربنایی اجتماعی، باعث می‌شود که نژادهای نژاد به جای "واقعیت" موجودی که باعث تخصیص یا فعال شدن فرعی باشد، باشد." نژادپرستی سه کارکرد مهم تحت سرمایه داری را خدمت می‌کند: "1" ایجاد یک فرقه ایدئولوژیک در برابر افراد رنگی که برای توجیه نابرابری خدمت می‌کند، "2" به حداقل رساندن ارزش یک بخش از طبقه کارگر و پابین آوردن دستمزد همه کارگران، و "3" برای تقسیم طبقه کارگر و بدینوسیله آگاهی طبقه کارگر و وحدت لازم برای از بین بردن سرمایه داری. «11».

**وولف** در ادامه بیان می‌کند که گروه‌های نژادپرستانه تحمل نابرابری‌هایی را که توسط سرمایه داری ایجاد می‌شود تحمل می‌کنند و به عنوان "کمک فنر" به سیستم خدمت می‌کنند که نابرابری را ضروری می‌کند و از بحران داخلی رنج می‌برد (چرخه‌های افسردگی و رکود اقتصادی) «12» به همین ترتیب، مردم رنگ هستند. کسانی که به مشاغل کم درآمد می‌پردازند، بدترین شرایط کار را تجربه می‌کنند، اولین کسانی هستند که از کار خود خارج می‌شوند، توسط مدارس زیر نظر شکست خورده و محدودترین فرصت‌ها را دارند، درحالی‌که افراد سفید پوست فرصت‌های شغلی بیشتری دارند و دسترسی بیشتری به منابع دارند. فواید این کار با سرمایه داری را برای طبقه کارگر سفید پوست که اغلب این امتیازات را حقوق ذاتی می‌دانند، کاهش می‌دهد.

با این حال، پیوند بین نژادپرستی و سرمایه داری بسیار بیشتر پیش می‌رود، به ضرورت اساسی سرمایه داری برای گسترش از طریق استعمار، که از طریق کم‌تحقق ایدئولوژیک جهان استعمار پذیرفته شد. **مارکس** در جلد اول سرمایه به "به اصطلاح انباشت بدوی" اشاره می‌کند که نشان می‌دهد که شرایط سلب مالکیت ناشی از سرمایه داری صرفاً یک شرط پیشینی نبوده بلکه یک شرط مداوم و ضروری برای حفظ و تولید مثل سیستم است. همانطور که **مارکس** خاطر نشان می‌کند، روند هولناک انتقال از فئودالیسم به سرمایه داری در انگلستان مستلزم سلب مالکیت شدید وسایل تولید جوامع و جوامع غیرکاپیتالیستی از طریق "فتح، بردگی، دزدی و قتل" بود. «13».

اگرچه **مارکس** به بهره‌برداری از کارگران بسیار نگران بود، اما بر او واضح بود که این امر به تنهایی برای حفظ تجمع و استثمار مداوم انگلیس و برآوردن رشد بالقوه تولید سرمایه داری کافی نیست. بر او به رسمیت شناخته شد که شرکت استعماری در قلب رشد اقتصادی عظیم است که همچنان از روابط سرمایه داری ادامه می‌یابد. **مارکس** اظهار داشت که با رشد ثروت که همراه با انباشت مناسبت (غلظت) است، بیشتر و بیشتر غلظت وسایل تولید را در دست سرمایه داران کمتر و کمتری می‌بینیم که به طور فزاینده رقابت خود را خریداری می‌کنند و سرمایه خود را تثبیت می‌کنند. این فرایند

تمرکز از تجمع در آن جداست که قادر به رشد شگرف است و مسئول ظهور صنایع خاص است. **مارکس** از مثال ایرلند استفاده می کند ، که در آن زمان به دلیل قحطی سیب زمینی سال «1845» ، محرومیت زدایی قابل توجهی را تجربه می کرد ، که در آن یک میلیون نفر جان باختند و بسیاری دیگر به ایالات متحده گریختند. در حالی که مردم یا گرسنه بودند یا فرار می کردند ، و کارگرانی که همچنان تحت بی حرمتی شدید زندگی می کردند ، کل سرمایه اجتماعی کشور به طور قابل ملاحظه ای رونق میدادند. مزارع بسیار متمرکز بودند و مزارع بین پا نزرده تا سی هکتار در حدود (61000) رشد داشتند. مزارع بیش از سی هکتار در حال رشد با (109000)، و کاهش تعداد کل مزارع به (120000). اساساً ، مزارع کوچک کمتر از پا نزرده هکتار توسط سرمایه داران ثروتمند سلب مالکیت می شدند. به گفته **کوین اندرسون** ، **مارکس** اظهار داشت که سیستم انباشت تحمیل شده به ایرلند به ویژه برای اشرافیان انگلیسی که به دنبال خرید گوشت و پشم از ایرلند با ارزانترین قیمت ممکن برای بازاری انگلیس بودند ، سودمند است ، اما مهمتر از همه ، جمعیت مازاد ایرلند به ویژه برای بورژوازی انگلیسی که آنها را به عنوان نیروی کار ارزان برای کارخانه های خود به کار می بردند ، سودمند بود ، که به نوبه خود دستمزدهای طبقه کارگر انگلیسی را پایین آورد. «14»

گسترش استعماری غرب به دنیای غیر غربی ، باعث انفجار ثروت برای غرب شد که استحکام جهانی خود را در توسعه اقتصادی ادامه داده است. سرمایه داری همیشه به عنوان یک شرکت بین المللی ، بدلیل سلب مالکیت اراضی ، استثمار و بردگی کار و سرقت منابع جهان غیر غربی به وجود آمده است ، آنچه **مارکس** از آن به عنوان "لحظه های اصلی انباشت بدوی [اولیه] یاد می کند." «15» بدون دفع خشونت از جهان غیر غربی ، سرمایه داری شکوفا نمی شد ، به مراتب کمتر به هیولای غول پیکر امروز خود تبدیل نه میشد.

در تجمع ویا در انباشت سرمایه ؛ **روزا لوکزامبورگ** «Rosa Luxemburg» تصویری بی رحمانه و بی غل و غش کیفرخواست (ادعا نامه) امپریالیزم و غارت وحشیانه استعمارگر و رفتارهای قاتلانه مردم بومی را ارائه داد؛ این **لوکزامبورگ** بود که پیشگویی وادعا کرد که امپریالیزم برای سرمایه داری کامل ویا یک پارچه است ؛ از نظر او : تولید سرمایه داری به ایجاد بازارهای جدید برای مصرف در دنیای غیر سرمایه داری وابسته بوده ؛ به گفته **پیتر هودیس** (Peter Hudis) ؛ لوکزامبورگ تصور میکرد که تنها راه افزایش وسایل تولید ( سرمایه ثابت ) این است ؛ که ابتدا محصول کار را بفروشیم و آنرا به ارزش خالص ( pure value = ) یا به شکل پول تبدیل کنیم ؛ رویکرد ویا برخورد او به بازار محور بود و قدرت بسیار زیادی به مفاهیم عرضه و تقاضا میداد «16» **هودیس** اشاره میکند که **مارکس** در این مورد چنین استدلال میکند که **لوکزامبورگ**

آنرا درک نمیکنند: و آن این بود که در بعضی از صنایع؛ خود محصول؛ در شکل و یا در فرم استفاده از آن بعنوان وسیله تولید قبل از درج آن در تولید سرمایه داری در چرخه های جدید تولید قرار میگیرد؛ نیازی به تحقق آن در شکل ارزش انتزاعی از طریق بازار (پول) نیست. **هودیس** همچنین یادآور میشود که **مارکس** استدلال میکند که ماده فرم و یا شکل استفاده از این محصول از اهمیت تعیین کننده ای در سمت و سو تعیین سرمایه گذاری در ارزش اضافی برخوردار است که بعنوان سرمایه در توسعه صنایع جدید تولید استفاده میشود «17»؛ آنچه که این نشان میدهد این است: که زمینی که با فتح و سلب مالکیت بدست می آید اغلباً بعنوان سرمایه در توسعه صنایع جدید تولید استفاده میشود؛ بنا بر این دستعمار و امپریالیزم فقط به گسترش بازارها مربوط نمی شوند و یاکه اکتفا نمیکنند بلکه در تلاش دسترسی و استفاده بردن از منابع هستند که میتوانند مستقیماً در چرخه های جدید تولید تزریق شوند. نظر به انباشت **مارکس** از دیدگاه اقتصادی؛ ویرانی ای را که سرمایه داری غربی بر جهان غیر غرب ایجاد کرده است توضیح میدهد: ویرانی و یا تخریبی که امروز نیز ادامه دارد تا جایکه حتی بسیاری از کشورهای غیر غربی خود نیز سرمایه دار شده اند. امپریالیزم اکنون و یا امروز بسیار از توافقی های شرکت های قراردادی استعماری را پیش بینی میکند؛ اما همچنان با تسهیل منافع خود از طریق جنگ های پروکسی «نیابتی»؛ تجارت آزاد؛ تسهیل مقررات و بهره برداری از سایر سرزمینها و مردمانش؛ تسهیل انباشت سرمایه برای مشاغل بزرگ را آسان و سهل میکند.

استعمارگر از قبل مسکون و مستقر شده از استعمار کامل و کلی متفاوت است؛ زیرا استعمارگر تصمیم میگیرد که سرزمینها استعمار شده و یا تحت استعمار را به ملکیت خود درآورد؛ پس این کاری رحمانه شامل یک روند متدوام بخاطر نیست و نابود کردن مردمان بومی و شیوه های زندگی آنها از طریق نسل کشی؛ خشونت جنسی و تولد بالمثل و بیماری معرفت کشی (تخریب دانش افراد) است؛ همچنین یک پروژه اقتصادی برای تخصیص و سایل تولید (زمین و منابع دیگر) و استخراج یا کسب ارزش اضافی از کارگران باقیمانده است؛ تجارت برده های اقیانوس اطلس هم امکان از بین بردن مردمان بومی و هم درج یک جسم سیاه نژادپرستانه را بعنوان کار برده داری میداد. رشد جمعیت که از تمایل مرد سفید پوست برای افزایش کار برده ها و مالکیت و ویرانی اجساد زنان غیر سفید خارج شد منجر به تعداد زیادی از مردم رنگی شد که امروز اکثریت مظلوم را تشکیل میدهند.

یک نزاع دیرینه به ارتباط نژاد و طبقه بین نظریه پردازان وجود دارد و آن اینکه نخست ظلم و ستم پیش می آید و بعداً که دیگری را بوجود آورد «19» این خصوصیت بویژه در مباحث مربوط به توسعه امپریالیزم غربی استعمار بیشتر جهان غیر غربی

وبرده داری امریکا نمایان شد که منجر به قتل عام‌ها بی‌گسترده و وحشیگری وحشتناک علیه مردم بومی و اصلی سیاه‌ورنگ قهویی‌ها شد و همچنین ایدئولوژی‌های غیرمذهبی مردمان غیر غربی شد؛ که بیش از (500) سال تا هنوز ثابت مانده است؛ نسل‌کشی و تسخیر سرزمین‌های خارجی؛ تاسیس مستعمرات در سرتا سر جهان جنوبی و استعمار مسکونی؛ اقتصاد مغلقی بود و به معنی غنی‌سازی و حمایت از به اصطلاح توسعه غرب بود «20» در سطوح مختلف توسعه اقتصادی بین غرب و غیرغرب؛ نتیجه مستقیمی از این انصراف است.

نژاد به عنوان مقوله‌ای که مردم را بر اساس فنوتیپ (خصوصیات قابل ملاحظه یا صفت یک جاندار... توسط این قلم) متمایز می‌کند و حقایق را به همگان متمایز می‌سازد اما نژاد سفید در دوره مزارع یا کشت و زرع برای توجیه تجارت برده‌های فراتر از آتلانتیک و عصر تاریخی از قساوت‌های غیرقابل شکست علیه مردم سیاه‌پوست به نام حرص و آز، صنعتی شدن و... توسعه یافت. تجاوزه ثروت قریب به اتفاق برای صاحبان مزارع سفید پوست که این نعمت خونین امروز در دست سفیدپوستان مانده است. تصویرگری توسط conquistadores (سربازان کاشقان یا مخاطره‌جویان سده‌های «15» و «16» میلادی بخصوص اسپانیایی‌ها.... توسط این قلم) آشکار می‌سازد که ترس و نفرت ذاتی از "دیگری" وجود دارد که در قتل عام مردم بومی به همان اندازه نقش غالب داشتند. چه این "ترس از دیگران" را "تمدن وحشی" یا "نجات جان آنها" با تلقین مسیحی، این عقاید ناشی از همان ایدئولوژیهای سوپر ماسیستی سفید «بلند پروازی‌ها» و شرایط اجتماعی است که امروزه بیشتر آنها را نژادپرستی می‌نامند. «21»

**والتر میگوولو** استدلال می‌کند که اعمال فقط در تمدن به اصطلاح غربی به صورت انتزاعی اتفاق نمی‌افتد، بلکه آنها توسط یک جنس جنسیتی با علامت نژادی اتفاق می‌افتد که شامل سایر خصوصیات واقع در یک مکان و زمان خاص است. "امپریالیستی غربی" از "رنه دکارت" {ریاضی‌دان فرانسوی} ساخته شده است که "من فکر می‌کنم، بنا بر این من هستم که حقیقت عینی و عقلانی را به اندیشه مردسالار غربی اعلام می‌کرد و آن را از منظر سیاسی جدا می‌کرد، و تمام کسانی را که در خارج از محدوده‌های با ریک انسان غربی فرومایه قرار داشتند، جدا کرد. تحریک آمیز و حیات‌گرایانه. «23» Grosfoguel خاطر نشان می‌کند که این منطق توسط ego conquiro (فتح نفس) امکان‌پذیر است، بنا بر این من تسخیر می‌کنم و توسط ego exterminus (نفس بیرونی) منطق نسل‌کشی و معرفت‌کشوری هدایت و پشتیبانی شدم. در طی این روند، مردان طبقه حاکم سفید، خود را به عنوان موجودات برتر درونی کردند زیرا آنها جهان را فتح کرده بودند. آنها جهان را از طریق چهار نسل اصلی / معرفت‌شناسانه قرن شانزدهم فتح کردند: "1" علیه مسلمانان و یهودیان در فتح آل اندلس به نام "پاکی



خون". 2) در برابر مردمان بومی ابتدا در قاره آمریکا و سپس در آسیا. 3) علیه مردم آفریقا با تجارت اسیر و بردگی آنها در قاره آمریکا؛ 4) علیه زنانی که دانش هند و اروپایی را در اروپا تمرین می کردند و به آنها منتقل می کردند [و] زنده زنده سوزانده شد [وقتی] متهم به جادوگران شد ند «. 24»

## زنان از رنگ و پروژه استعماری سرمایه داری:

استعمار و امپریالیسم تا ثیر شدید و کیفی متفاوتی بر از رنگ های زنان داشته است؛ درحالیکه منشا ظلم و ستم قبل از موقع بخصوص بکار گرفته شده را توسط سرمایه داری؛ استعماری و صنعتی شدن را پیشگویی میکند؛ تحقیقات نشان میدهد که این ساختارهای ظلم و نابرابری را برای زنان بطور کلی و به ویژه برای زنان با داشتن رنگها تشدید میکند. **ماریا میس (Maria Mies)**؛ توسعه ویا گسترش ظلم و ستم بر زنان را به ابزارهای تخریب استفاده شده علیه زنان هنگام آغاز فعالیت های جوامع شکارچی مبنی بر جمع آوری محصولات کشاورزی ردیابی میکند؛ زنان «و بعضی اوقات مردان» از قبایل دیگر اختطاف ویا دزدی می شدند یا بعنوان همسران درمی آمدند یا برای گردآوری یا جمع کردن کالاها در کشاورزی کار و فعالیت میکردند؛ بنا براین؛ **تقسیم جنسی کار** بعنوان سیستمی در جامعه قبیلهدید آمد و منجر به سوء استفاده از زنان برای بقا میشود. قبیلهدی که بعنوان تولیدکننده اصلی نیازهای معشیت روزانه بودند از قدرت نیز برخوردار بودند «26».

محوطه های زمینی که با دارایی های خصوصی همراه بودند و مردم را به مراکز صنعتی سازی برای کار دستمزد سوق می دادند منجر به سوء استفاده از زنان طبقه کارگر در کارخانه ها شد و آسیب پذیری آنها را تحت ساختار خانواده هسته ای تازه توسعه یافته افزایش داد. گرچه سرمایه داری وعده تحرک اجتماعی و آزادی بیشتر از جبرگرایی طبقاتی که تحت فئودالیسم وجود داشته است داد، اما هرگز برای اکثریت قریب به اتفاق این آرمان نبوده است یا که تحقق نه پذیرفت. **سیلویا فدریچی** شرایط مادی را که منجر به وضعیت فعلی ظلم و ستم برای زنان شده است، ردیابی می کند و معتقد است که زنانی که زنده ماندن در محوطه های غربی که زمین را برای صاحبان خصوصی محدود می کند دشوار بوده اند، به عنوان "جادوگران" برای حفظ ایدئولوژی های آزادی و فرصت بیشتر بی اعتبار شدند. تحت سرمایه داری شکارهای جادوگر که در سراسر اروپا و قاره آمریکا اتفاق افتاد و تقریباً سه قرن به طول انجامید، نه تنها یک فرد کشنده قربانی بلکه یک حمله شدید به روانشناسی و شیوه های زندگی زنان بود، و آنها را به حریم خانه رها کرد تا از اسیر شدن در امان نمانند. **فدریسی** استدلال می کند که این شرایط بر شخصیت و جوامع زنان و انتظارات از آنها تأثیر گذاشته است. اینها به نوبه خود، ارزش نیروی کارشان را پایین آوردند. این **تقسیم جنسیتی کار** همچنان ادامه

داشته اما تحت جهانی سازی تغییر کرده است و زنان را از رنگ و بوی خاصی بهره برداری می کند. «27».

بدبختی است که زنان و ظلم که بر آنها میشود مبنای تولید سرمایه داری است. زنان فقیر همیشه کار کرده اند، اما علاوه بر کار "مولد"، آنها اغلباً کار دلسوزانه و غیررسمی غیرمجاز (غالباً غیرقانونی و کنترل نشده) از جمله زایمان، پرورش و معاشرت نسل بعدی کارگران را برای تولید سرمایه داری انجام داده اند. این کارکردها غالباً به زنان رنگ منتقل شده است. در آمریکا، تجا وزهای منظم به زنان بومی و سیاه، منجر به انتقال نسل های بعدی مردم از رنگ به طبقه کارگر و فرصت های اندک برای تحرك اجتماعی شد «28».

سرمایه داری به بدن ویا پیکر، نیروی کار و کنترل زنان و به ویژه به زنان رنگی بستگی دارد. از طریق خشونت روانی، جسمی و عاطفی، زنان به عنوان موزه لذت تبدیل می شوند، از حق کنترل بدن خود محروم می شوند و به یک ساختار خانوادگی اجباری درمی آیند که غالباً حقوق بشر؛ آنها را نفی می کند. سکسیسم و خانواده هسته ای، در تولید سرمایه داری با هم دست هستند، نسل بعدی کارگران معاشرت یافته را برای پذیرش وضع موجود و تولید مثل یک طبقه «29» طبقاتی، نژادپرستانه و جنسیتی تقسیم کار فراهم می کند که قدرت دگر جنسگرایی، سفید پوستان، آقاییان، را تضمین می کند. بنابراین نباید جای تعجب داشت که مهاجران استعماری در آمریکا روابط پدرسالاری را در میان برخی از جوامع بومی که قبلاً تریسالار (مادرشاهی) و مساوات وجود داشت برقرار کردند. «30»

این روابط طبقاتی، جنسیتی و نژادی نیز در یک بخش بین المللی از کار بین المللی قابل اثبات است. «31» تصادفی نیست که غرب با داشتن میراث استعماری و متعاقب آن تولید ناخالص داخلی بالاتر، غالباً بتواند کشورهای فقیر را وادار کند. برای خدمت به منافع اقتصادی و سیاسی خود توافق نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی نمونه ای از این موارد است که در آن محدودیت هایی برداشته شده است تا به ایالات متحده (و به میزان کمتری کانادا) اجازه داده شود تا جوامع روستایی را تحت فشار قرار دهد و زمین و منابع را به دست بگیرد، و همچنین تجارت محلی را با تجارت خود متقاعد کند. صنایع «maquiladora» مثال دیگر جنگ های مختلفی است که علیه خاور میانه برای نفت صورت گرفته است. وابسته است «32» برون سپاری تقریباً همه چیز (از جمله جانشینی) به این کشورهای غیر غربی برای دستمزدهای ناچیز پرداخت شده به کارمندان عمدتاً زن و بعضاً کودکان به عنوان "کمک" به آنها تلقی می شود، با این درک اندک که دلیل عدم نیاز این کشورها به "کمک" است زیرا امپراتوری های غربی

به طور منظم از مردم خود بهره برداری کرده و منابع خود را از آنها گرفته اند ، از جمله با ادامه کار گرفتن زمین. « 33 »

## مهاجرت: پیامد و سوخت سرمایه:

اگرچه که مهاجرت از زمان های بسیار قدیم یک عمل و یا پراکنش انسانی بوده است ، اما روند ، هدف و پیامدهای آن در نتیجه سیستم سرمایه داری جهانی نژادپرستانه تغییر کرده است. در آمریکا شواهدی وجود دارد که نشان می دهد مردمان بومی هزاران سال آزادانه و تا ایجاد مرزهای ملی از طریق فتح و تسخیر به شمال و جنوب سفر کرده اند یا کوچیده اند « 34 ». مهاجرت که بخشی از زندگی مشروط بر احترام به زمین و تغییر آن بوده است. شرایط متوقف و یا دیگرگون شد که سرمایه داری با اشتیاق شدید زمین را به املاک و ملل رابه «اجتماعات خیالی» تبدیل کرد " که از نظر عقیدتی با حمایت و توسعه کشور "خود" در برابر "دیگری" نژادپرستانه پیوند خورده اند. « 35 ».

در ایالات متحده ، توسعه "قانونی" روزنامه ها برای ورود به یک کشور "خارجی" به مردم می که اجداد آنها از آنجا عبور می کردند و اغلب در همان سرزمین ها زندگی می کردند ، اعمال می شد ، در حالی که به مهاجران استعمارگر "شهروندی" داده می شد. پس از این دستور جدید ، مهاجرت به عنوان یک تصمیم فردی جدا از شرایط اقتصادی و سیاسی بین المللی تلقی می شود.

بقا و فرصت های زندگی ، از جمله اتحاد مجدد خانواده ، همواره از عوامل مهم مهاجرت بوده اند. که می توانیم به زمان قحطی سیب زمینی در ایرلند فکر کنیم ، که هزاران خانواده دهقان را به اصطلاح به دنیای جدید آورد. مهاجرت را نیز به دلیل بحران آب و هوا یا خروج قابل توجهی از افرادی که از جنگ فرار می کنند ، چه از نظر تاریخی و هم اکنون ، در نظر بگیرید ، مانند صدها پناهنده سوری که امروز به دنبال امنیت هستند. در هر حالت ، مهاجرت بخشی از بستر وسیع اقتصادی و سیاسی جهانی امپریالیسم ، استعمار ، نژادپرستی محیط زیست و غیره است.

در حالی که قحطی سیب زمینی در اکثر متون تاریخ به عنوان یک فاجعه زیست محیطی تا سده بار توصیف شده است که معیشت هزاران اجتماع کشاورزی را از بین برد ، که بعداً کشاورزان در ایرلند ، به یک مستعمره ، وابسته به سیب زمینی بودند زیرا کشاورزی مونوکروپ (تک محصول) باعث شد ایرلند از راهپایی چندی وابسته به انگلیس باشد. و این الگو باید در بیشتر کشورهای استعماری تکثیر و ترویج شود. تولید مونوکروپ که در ابتدا تحت کنترل امپراتوری استعمار و بعداً توسط شرکتهای متعلق به خارجی (عمدتاً غربی) قرار داشت ، جهان "در حال توسعه" را به طور قابل توجهی آسیب پذیر و وابسته به صادرات محصول خاص دانست. مطمئناً این مورد در مکزیک و آمریکای مرکزی و جنوبی نیز اتفاق افتاد ، جایی که شرکت میوه ای یونا یوتا ایالات

متحدہ بہ بزرگترین نهاد شرکت های آمریکا بی تبدیل شد و میلیارد ها دلار از مردم و سرزمین های آنها بدست آورد. در حالیکه شرکت میوه ای یونایتد غیرقانونی تصویب شد، سایر شرکت های خارجی نیز از این پرونده پیروی کردند و سرمایه گذاری های خارجی را در آمریکای لاتین به یکی از بزرگترین فرآیندهای جمع آوری سرمایه برای مشاغل بزرگ تبدیل کرده است. دولت آمریکا، غالباً عروسک مشاغل بزرگ و مشتاق حفظ قدرت سیاسی خود در جهان، مغزی بود که در توافق نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی قرار داشت و این امر باعث محدودیت های تجارت خارجی می شود، دسترسی خارجی به زمین و منابع را تسهیل می کند. بهره برداری بیش از حد از مردم مکزیکی و بومی. مداخله ایالات متحده در سراسر آمریکای لاتین سابقه طولانی دارد، اما کافی است که بگوییم وابستگی اقتصادی که منجر به سرمایه گذاری شرکت های آمریکایی شده است، که به نوبه خود باعث شده است تجارت آمریکا و دولت آمریکا به فضای سیاسی منطقه بسیار علاقه مند باشند. ایالات متحده اتاق مهمی برای دستکاری در انتخابات محلی در سراسر قاره آمریکا و ایجاد جنگ با مواد مخدر، مسئول خشونت و هزاران کشته است.

اگرچه برخی معتقدند که آشفتگی در برخی کشورها تا بعضی از وضعیت توسعه آنها است اما سرعت توسعه، که غالباً با برتری اخلاقی و معنوی همراه با نوآوری و زیرساخت همراه است، به راحتی می تواند تا بعضی از جهان "توسعه یافته" شناخته شود. سلب مالکیت و بهره برداری (گلوبال شمالی) به جهان کمتر "توسعه یافته" (جهانی جنوبی) تحمیل شده است. مهاجرت یک مسئله جهانی است که بطور پیچیده ای با یک سیستم سرمایه داری نژادپرستانه گره خورده است.

نه استکباری و نه فریبکاری های مرگبار آنها برای مبارزه با نیاز مردم برای بقا کافی نیست. در خارج از ضرورت اقتصادی یا فرار از آزار و اذیت سیاسی، مردم آمریکای لاتین و سراسر جهان برای جستجوی زندگی بهتر، با امنیت و فرصت بیشتر برای فرزندان خود، به دنبال ورود به ایالات متحده هستند - با وبدون کاغذ و وهر دو خانواده آنها (و دولت ها) آنها را تشویق می کنند که این کار را انجام دهند، زیرا حواله های برگشتی به کشور مبداء برای خانواده های آنها و بقای کشورها بسیار مهم هستند. کشورهای فقیر به این حواله ها بستگی دارند که در مجموع هر سال میلیارد ها دلار درآمد دارند. «36»

این حال، بی اعتنائی که جوامع مهاجر غالباً در دنیای صنعتی با آن روبرو هستند و در دگم ملی گرایی «جزم گرایی» منعکس شده است که نشان می دهد مهاجران منابع "ما" را می گیرند، که باید به عنوان یک باطل درک شوند، به ویژه با توجه به خاستگاه های مرگبار شهرک سازی استعماری ایالات متحده. در کشورهای صنعتی، مهاجران، بویژه مهاجران بدون مدارک، جمعیت به عنوان استخرهای کار ارزان قیمت لازم برای

حفظ سطح بالاتری از توسعه کشورها وابسته هستند. در نظر بگیرید که حتی در ایالات متحده حتی با افزایش سخنان سیا سی بسته شدن مرزها و تبعیدها افزایش می یابد ، برنامه های مهمان کا رگر ، که به کار برده ای تشبیه شده اند ، برای گسترش برنامه ریزی شده اند. مهاجران ، مواردی هستند که کارگران آمریکایی کمتر از آنها پذیرش می کنند زیرا آنها در حال بازگشت هستند و / یا دستمزدهای بسیار اندک و شرایط کاری قابل قبول دارند.

اگرچه اغلب به عنوان یک پدیده بی طرف جنسیتی تلقی می شود ، زنانگی از مهاجرت به طور فزاینده ای پذیرفته می شوند ، با تقریباً نیمی از مهاجران در سراسر جهان (47 درصد) ، بسیاری از آنها به تنهایی یا به همراه فرزندان خود مهاجرت می کنند. مانند مردان ، زنان نه تنها برای بقا و فرصت های زندگی مهاجر می شوند بلکه به خواسته های کارگران "توسعه یافته" جهان نیز کشیده می شوند. دیوید تیتسور و فتی منصور استدلالت می کنند که "بحران مراقبت" زنان مهاجر را به شدت تقاضا می کند در دنیای صنعتی «39» به طور خاص ، بیشتر مهاجرت به ایالات متحده توسط زنان (58٪) صورت می گیرد «40» زن مهاجر. اغلب ستون فقرات بخشهای خاص اقتصاد در ایالات متحده ، به ویژه در کارهای داخلی و صنعت پوشاک است. هر دو بخش از زنان با دستمزد ارزان و کار غیرقانونی استفاده می کنند. کار داخلی به ویژه برای اقتصاد و برای روایت فرصت بسیار حیاتی است. خانواده های فقیر و طبقه متوسط که برای تحرک اجتماعی به دو درآمد وابسته هستند ، نیاز به یک نیروی کار ارزان برای به دست آوردن کار دلسوزانه دارند که در غیر این صورت بر روی زنان خانواده قرار می گیرد. زنان مهاجر و دستمزدهای ناچیزی که به آنها پرداخت می شود ، به زنان مرفه (معمولاً سفید پوست) امکان می دهد که برای دستمزد بهتر تلاش کنند و تحصیلات و انواع دیگر زندگی حرفه ای را دنبال کنند. جنبش زنان غالباً سفید پوست به زنان مهاجر وابسته است ، که در حالی که مجبور به ترک فرزندان خود هستند ، مراقب خانواده های افراد دیگر هستند. بدون تردید ، سرمایه داری یک سیستم اقتصادی نژادپرستانه و جنسیتی جهانی است که بر فقیران شاغل در سراسر جهان طعمه می زند.

## پاند می (همه گیر)

به ناچار بحران تحت سرمایه داری به معنای تأثیر منفی بیشتر بر افراد رنگ است. ویرانگر همه گیر جهانی «COVID-19» نژاد پرستی سرمایه داری را برجسته کرده است. تصادفی نیست که ایالات متحده ، پرکارترین جامعه ، بیشترین تعداد افراد آلوده و بالاترین تعداد کشته شدگان را داشته باشد. در اوایل ماه ژوئن ، موارد تأیید شده در ایالات متحده به بیش از دو میلیون نفر با بیش از «110,000» نفر رسیده و به دو میلیون رسید. که در معرض خطر همه گیر ، منجر به تلفات قابل پیشگیری شده است. اگرچه

برخی ایالت ها ، از جمله نیویورک ، روند نزولی را نشان می دهند ، اما رهبران سیاسی در ایالت های مختلف ، حتی برخی از ضربه های سخت ، به تازگی شروع به باز کردن مشاغل (حتی شرکت های پر مخاطب) کرده اند که برای همه جز کارگران اساسی تعطیل شده است. برای ماه گذشته ، که خطر بیشتری را به دنبال خواهد داشت. این بیماری همه گیر در جوامع با سابقه طولانی نابرابری اقتصادی، تبعیض نژادپرستانه قرار داشته است و دولت از مبتلا به سخت ترین ها آنها غفلت می ورزد ، و در نتیجه تعداد نامتنا سب مرگ و میر در جوامع سیاه رخ داده است. به طور خاص ، جنوب عمیق همیشه مکانی خطرناک برای سیاه پوستان بوده است. به عنوان مثال ، در ایالت لوئیزیانا یادآوری پاسخ خسته کننده آهسته برای کمک به قربانیان کا ترینا مشخص شد که تا «9» آوریل (70) درصد کسانی که از «COVID-19» جان خود را از دست داده اند سیاه بودند ، با وجود این که فقط (32) این سناریو نه تنها در همه ایالت های جیم کرو در جنوب ژرف ، بلکه در سطح وسیع کشور نیز تکرار می شود «44» متأسفانه ، داده های مربوط به موارد آلوده ، درمان و مرگ و میرها بر اساس نژادها نیست جمع آوری یا رها سازی سیستماتیک.

انجمن پزشکی یا طبی آمریکا هرگونه گمانه زنی راجع به عوامل بیولوژیکی یا ژنتیکی که ممکن است برخی از گروه های نژادی را مستعد ابتلا به ویروس کند ، رد کرده است. از تجربه در جامعه به طور خاص ، آنها به این واقعیت اشاره می کنند که به دلیل نابرابری اقتصادی و نبود بیمه ، و همچنین گرایش متخصصان بهداشت و درمان غالباً به دلیل آزمایش و معالجه ، تمایل کمتری به مراقبت های بهداشتی دارند. این تعصب نژادپرستانه هنگامی که کمبود آزمایش و درمان وجود داشته باشد می تواند تشدید شود (آگاهانه و ناخودآگاه) «46» این شرایط نژادپرستانه و تهدید کننده مرگ در جوامع سیاه برای نسل ها پابرجاست ، به گونه ای که افراد سیاه پوست بیشتر به بیماری مزمن مانند دیابت مبتلا می شوند. فشار خون بالا و بیماری های قلبی ، با نرخ نامتناسب و در اوایل زندگی ، آنها را در معرض «COVID-19» ؛ «47» به دلیل نبود مراقبت های بهداشتی مقرون به صرفه قرار می دهد ، به دلیل عدم وجود مراقبت های بهداشتی مقرون به صرفه ، افراد سیاه پوست به احتمال زیاد در صورت تداوم علائم و پیش بینی های آنها شدید تر می شوند ، به آسیب پذیری آنها افزوده می شود. این "طوفان عالی" به دلیل شرایط نژاد پرستی مشا به در مورد جوامع بومی و لاتینکس نیز صادق است.

به عنوان مثال در نظر بگیرید که مشاغل در ایالات متحده بسیار طبقه ای شده نژادپرست و جنسیتی هستند. کار در کارخانه تعداد زیادی کارگر دارد که در محله های گرفتار در کنار هم کار می کنند. چنین فضاهایی امکان گسترش آسان ویروس را فراهم می آورد. بنا بر این تعجبی آور نیست که صنایع بسته بندی گوشت ، که به طور عمده

کارگران مهاجر اشتغال دارند شیوع قابل توجهی دیده اند. با این حال ، به نظر می رسد که دولت ترامپ درک می کند که زندگی این کارگران قابل صرف است ، زیرا خواستار صنعت بسته بندی گوشت با وجود خطر برای کارگران با است «48».

مردم بومی نیز در معرض خطر بیشتری هستند. بیماری ایجاد شده توسط مهاجران سفید پوست سابقه طولانی در گسترش و از بین بردن قبایل بومی دارد. حساسیت آنها به بیماری ها در نتیجه فقر و کمبود منابع ادامه داشته است. بومیان آمریکایی که در مناطق هندی زندگی می کنند غالباً فاقد آب ، سرویس بهداشتی و خدمات درمانی خوبی هستند. بیش از یک چهارم افراد بومی زیر ( 65 ) سال فاقد بیمه درمانی هستند. مانند سایر جوامع رنگی ، افراد بومی احتمال ابتلا به دیابت و سایر شرایط احتمال بیشتری را دارند که آنها را برای خطر ابتلا به کوید نزده بیشتر می کند. به عنوان مثال ، کشور ناوهو (Navajo) بیشتر از هر ایالات متحده آمریکا در موارد ویروس کوید نزده در گذارش سرانه دولت «49».

علاوه بر این ، افراد طبقه کارگر که در ایالات متحده بیش از حد در جوامع رنگی بیش از حد و تعداد نامنا سبی نماینده یا عضو هستند ، به دلیل کمبود منابع از جمله سفر به اتوبوس های شلوغ و مترو آسیب پذیر هستند. اجتماعات دیگر که در معرض خطر زیادی قرار دارند مردم در زندان ها ، بازداشتگاه ها و اردوگاه های پناهندگان هستند ، جایی که عفونت ها به سرعت و به طور گسترده گسترش می یابد. در این فضاها یا محیط ها یعنی در مجتمع صنعتی زندان که این سیاه پوستان با بد نهی سیاه و قهوه ای در زندان بدون پرداخت مزد نگهداری میشوند و یا به کار بدون کار (یا تقریباً بدون پرداخت) هدف قرار می گیرند ، کاملاً سیاه و لاتکس «لاتینی ها» هستند. انترسپیت Intercept گزارش می دهد که شیوع ویروس در مراکز بازداشت ( united states immigration and customs enforcement یا ICE منجر به حکم دادگاه شده است که از اینکه خواهان آزادی هفتصد مهاجر است که که از نظر ( COVID-19 ) آزمایش شده اند و یا در معرض خطر زیادی هستند. بازداشت شدگان بصورت الکترونیکی با جهان خارج ارتباط برقرار کرده اند و در یکی از بازداشتگاه های زنان در ایالت ایلینوی ، جورجیا ، زنان ترس ورعب های قابل توجه خود را از شیوع ویروس به دلیل "ازدحام بیش از حد و ضعف عدم دسترسی به خدمات صحی" گزارش داده اند. در این گزارش ، چگونگی انتقاد شدیدی از زنان به دلیل صحبت علنی در مورد شرایطی که با آنها روبرو هستند ، مورد انتقاد قرار می گیرد «50»

نا برابری های اقتصادی موجود در ایالات متحده مطمئناً با رکود اقتصادی که در حال حاضر احساس می شود تشدید می شود. آسیب پذیرترین افراد به ناچار آسیب پذیرترین کسانی هستند که بدون مزایا و یا امکان داشتن پس انداز در هنگام از دست دادن شغل ،

برای دستمزد ساعتی کار می کنند. به گفته **گلوبال شهروند**، بیشترین هزینه هایی که با بیشترین هزینه اقتصادی مواجه هستند زنان رنگ هستند (یعنی زنان با داشتن رنگ جلد از نظر مصارف اقتصادی به مصارف بیشتر روبرو هستند). افراد بی خانمان، که بیشتر آنها رنگی هستند، همچنین با از موم های جدیدی روبرو می شوند زیرا یک جامعه بسته آنها را با چنراه و روش بضرص دسترسی برای سرپناه، غذا و سایر نیازهای اساسی رها می کند. « 51 »

دانش آموزان فقیر نیز از نظر دسترسی به آموزش و پرورش با نابرابری هایی روبرو هستند که این امر با افزایش دانش آموزان و معلمان به یادگیری مبتنی بر وب (آموزش از طریق آنلاین) افزایش می یابد، زیرا دانش آموزان فقیر کمتری به رایانه ها، اینترنت کتاب ها و سایر منابع که بیشتر در خدمت دانش آموزان مرفه امریکا قرار دارد؛ دارند. باز هم فقیرترین دانش آموزان در "مدارس درون شهری" یافت می شوند، که بسیاری از آنها (100٪) یا تقریباً (100٪) در مدارس اقلیت هستند. دانش آموزان مهاجر یا نسل دوم مهاجر که والدین آنها انگلیسی صحبت نمی کنند ممکن است همچنین از پشتیبانی لازم برای یادگیری ناهمزمان که حداقل نیمی از روز به مدرسه میروند برخوردار باشند. بسیاری از دانش آموزان فقیر مجبور هستند تمام کارهای مدرسه خود را در کمتر از فضای یادگیری مناسب، بدون میز یا فضای آرام انجام دهند، حتی ممکن است روی تخت یا کف زمین بنشینند.

زنان پوست ویا جلد رنگی در این بیماری همه گیر (پاندمیک) در سراسر جهان و ایالات متحده در معرض خطر بیشتری هستند در حالی که داده ها از تأثیر (COVID-19) بر افراد رنگی عقب مانده است، حتی داده های کمتری نیز در تقاطع نژاد و جنسیت شرکت می کنند با این حال، ما فقط باید بدانیم که زنان رنگی با بدترین شرایط اقتصادی روبرو هستند و تقریباً در هر کشور جهان حداقل به مراقبت های بهداشتی دسترسی دارند. علاوه بر این، آنها به عنوان سرپرستان فامیل مورد انتظار خانواده، یعنی زنان غالباً از مراقبت از فرزندان و بستگان سالخورده خود که علائم ویروس را دارند مراقبت می کنند. همچنین تعداد بیشتری از زنان در حرفه های مراقبت های بهداشتی در سراسر جهان (90 درصد) از جمله در ایالات متحده (78 درصد) وجود دارند. امید: زنان رنگ

## امید: زنان پوست رنگ

سرمایه داری تضادهای زیادی ایجاد می کند. آنهایی که در معرض آسیب پذیری سرمایه داری قرار گرفته اند نیز برای سیستم ضروری هستند و بنابراین قدرت جمعی دارند تا بتوانند سیستم را به زیر بکشند. بحران نابرابری ها و ظلم ها را افزایش می دهد، اما این نیز باعث می شود این موارد بیشتر آشکار شود و حرص و طمع و استثمار ایجاد چنین شرایطی را آشکار سازد و جرات کند دنیا یک بار دیگر چشم پوشی کند. سرمایه



داری هر دو از روابط سلطه نژادپرستانه و جنسیتی خارج شده و روابط دیگری ایجاد کرده است. ما نمی‌توانیم امیدوار باشیم که تازمانی که این روابط بدون چالش باقی بماند بتوانیم به طور مؤثر جایگزین سوسیالیستی مبتنی بر برابری و دموکراسی را توسعه دهیم. یک جایگزین سوسیالیستی مارکسیستی تنها وقتی ممکن است توسعه یابد که ما برای به چالش کشیدن همه سیستم‌های ظلم و ستم و ایجاد جامعه‌ای باشیم که ارزش ذاتی و برابر هر زندگی، از جمله زمینی را که ما را حفظ می‌کند، بشناسد.

اگرچه این سیستم‌های ظلم غالباً ساختارهای جداگانه‌ای به نظر می‌رسند، یک آلترناتیو «بدیل» سوسیالیستی باید شامل تلاش‌های ضد دینی و ضد انحصارگرایی باشد که ذاتاً روابط طبقاتی سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد. اگرچه از نظر تاریخی فراموش شده یا نادیده گرفته نشده است، اما سهم‌های مهم زنان شاغل در جنبش‌های انقلابی در سراسر جهان به طور فزاینده‌ای شناخته می‌شوند. زنان رنگ، به عنوان یکی از مظلوم‌ترین گروه‌های جهان، موضوعی انقلابی خاص هستند. تجربیات متقاطع آنها می‌تواند و می‌تواند افراد را با هویت‌های مختلفی همراه کند، اعتصابات علیه اعتقادات دیرپا، سفید و مردسالارانه از سازماندهی که باعث تقویت و تثبیت روابط سلطه در قلب سرمایه‌داری شده است. «52» تجربیات آنها از ظلم و ستم، برحاشیه‌های مختلف حاشیه رانده شده است. در جبهه‌ها، بینش‌های کلیدی در مورد چگونگی حرکت در جهان به طرق ایجاد مسیر اتحاد و عشق به یکدیگر و جهان ارائه می‌دهد.

## رفرنس و یادداشت‌ها :

### Notes

1 ← Jim Blaut, "Colonialism and the Rise of Capitalism," *Science and Society* 53, no. 3 (1989): 260–96; Joseph E. Inikori and Stanley L. Engerman, eds., *The Atlantic Slave Trade* (Durham: Duke University Press, 1992).

2 ← Meng Zhao, "[The Media, Education, and the State: Arts-Based Research and a Marxist Analysis of the Syrian Refugee Crisis](#)" (PhD dissertation, Chapman University, 2019), 8.

3 ← Fatih Çağatay Cengiz, "Race and Religion in South Africa and Turkey's Sub-Imperialist Expansion," *Politikon* 46, no. 3, (2019): 257–74.

4↵ Ramon Grosfoguel, “The Structure of Knowledge in Westernized Universities: Epistemic Racism/Sexism and the Four Genocides/Epistemicides of the Long 16th Century,” *Human Architecture* 11, no. 1 (2013): 73–90.

5↵ Lise Vogel, *Woman Questions: Essays for a Materialist Feminism* (New York: Routledge, 1995).

↵ Peter McLaren and Yan Wang, “[US Needs to Move Away from Its Blame-China Trajectory](#),” *China Daily*, April 13, 2020.

↵ Karl Marx, *Capital*, vol. 1 (London: Penguin, 1976), 414.

↵ Karl Marx, “[Letter to Sigfrid Meyer and August Vogt](#),” April 9, 1870, in *Selected Correspondence, Karl Marx and Frederick Engels* (Moscow: Progress, 1975), 220–24, available at [marxists.org](http://marxists.org).

↵ Marx, “Letter to Sigfrid Meyer and August Vogt.”

↵ Richard Wolff, *Capitalism’s Crisis Deepens: Essays on the Global Economic Meltdown* (Chicago: Haymarket, 2016).

↵ Lilia D. Monzó, “[Marxist-Humanist Perspectives on Race, Gender, and Immigration](#),” *International Marxist-Humanist*, August 3, 2018.

↵ Wolff, *Capitalism’s Crisis Deepens*.

↵ Marx, *Capital*, vol. 1, 874.

↵ Kevin Anderson, *Marx at the Margins* (Chicago: University of Chicago Press, 2010).

↵ Marx, *Capital*, vol. 1, 532.

↵ Peter Hudis, “[The Dialectic of the Spatial Determination of Capital](#),” *Logos* 13, no. 1–2 (2014).

↵ Hudis, “The Dialectic of the Spatial Determination of Capital.”

↪ Evelyn Nakano Glenn, "Settler Colonialism as Structure: A Framework for Comparative Studies of U.S. Race and Gender Formation," *Sociology of Race and Ethnicity* 1, no. 1 (2015): 54–74.

↪ Lilia D. Monzó and Peter McLaren, "The Future Is Marx: Bringing Back Class and Changing the World—Revolutionary Critical Pedagogy as Moral Imperative," in *International Handbook of Progressive Education*, ed. M. Y. Eryaman & B. C. Bruce (New York: Peter Lang, 2015): 643–70.

↪ Fred Magdoff, "[Twenty-First-Century Land Grabs](#)," *Monthly Review* 65, no. 6 (November 2013): 1–18.

↪ Alex Callinicos, *Race and Class* (London: Bookmarks, 1993).

↪ Walter Migñolo, "Epistemic Disobedience, Independent Thought and Decolonial Freedom," *Theory, Culture and Society* 26, no. 7–8 (2009): 159–81.

↪ Grosfoguel, "The Structure of Knowledge in Westernized Universities."

↪ Grosfoguel, "The Structure of Knowledge in Westernized Universities," 77.

↪ Maria Mies, *Patriarchy and Accumulation on a World Scale: Women in the International Division of Labour* (London: Zed, 2014).

↪ Mark Dyble, Gul D. Salali, Nikhil Chaudhary, Abigail Page, Daniel Smith, James Thompson, Lucio Vinicius, Ruth Mace, and Andrea B. Migliano, "Sex Equality Can Explain the Unique Social Structure of Hunter-Gatherer Bands," *Science* 348 (2015): 796–98.

↪ Silvia Federici, *Caliban and the Witch* (Brooklyn: Autonomedia, 2004).

[↪](#) Vogel, *Woman Questions*.

[↪](#) Lilia D. Monzó, *A Revolutionary Subject: Pedagogy of Women of Color and Indigeneity* (New York: Peter Lang, 2019).

[↪](#) Diane-Michele Prindeville, "Feminist Nations? A Study of Native American Women in Southwestern Tribal Politics," *Political Research Quarterly* 57, no. 1 (2004): 101–12.

[↪](#) Mies, *Patriarchy and Accumulation on a World Scale*.

[↪](#) William I. Robinson, *Global Capitalism and the Crisis of Humanity* (New York: Cambridge University Press, 2014).

[↪](#) Magdoff, "Twenty-First-Century Land Grabs."

[↪](#) Carlos G. Vélez-Ibáñez, *Border Visions: Mexican Cultures of the Southwest United States* (Tucson: University of Arizona Press, 1996).

[↪](#) Benedict Anderson, *Imagined Communities* (London: Verso, 2016).

[↪](#) David Tittensor and Fethi Mansouri, "The Feminisation of Migration?," in *The Politics of Women and Migration in the Global South*, ed. Tittensor and Mansouri (London: Palgrave Pivot, 2017), 11–25.

[↪](#) "[Guestworker Program](#)," *Farmworker Justice*, accessed April, 24, 2020.

[↪](#) Monzó, "Marxist-Humanist Perspectives on Race, Gender, and Immigration."

[↪](#) Tittensor and Mansouri, "The Feminisation of Migration?"

[↪](#) "[Gender and Migration](#)," *Migration Data Portal*, accessed April 24, 2020, [migrationdataportal.org](http://migrationdataportal.org).

↪ [Monica Boyd and Elizabeth Grieco, “Women and Migration: Incorporating Gender into International Migration Theory,”](#) Migration Information Source, March 1, 2003.

↪ [“Coronavirus Update, United States,”](#) Worldometers, accessed June 5, 2020.

↪ Elizabeth Cooney, [“Who Gets Hospitalized for Covid-19? Report Shows Differences by Race and Sex,”](#) STAT, April 9, 2020.

↪ Aletha Maybank, [“Why Racial and Ethnic Data on COVID-19’s Impact Is Badly Needed,”](#) American Medical Association, April 8, 2020.

↪ [“States Tracking COVID-19 Race and Ethnicity Data,”](#) American Medical Association, April 24, 2020.

↪ [“COVID-19 FAQs: Health Equity in a Pandemic,”](#) American Medical Association, April 16, 2020.

↪ Cooney, “Who Gets Hospitalized for Covid-19?”

↪ [“White House Embraces Optimism as Death Roll Surpasses 60,000.”](#)

↪ Rebecca Klar, [“Navajo Nation Reports More Coronavirus Cases Per Capita Than Any US State,”](#) The Hill, May 11, 2020.

↪ Debbie Nathan, [“Women in ICE Detention Face Reprisals for Speaking Up About Fears of Covid-19,”](#) Intercept, April 28, 2020.

↪ Leah Rodriguez, [“Women of Color Are Experiencing the Biggest Economic Losses Amid COVID-19 Pandemic,”](#) Global Citizen, April 8, 2020.

**52** ↪ Monzó, A Revolutionary Subject.

با تقدیم احترامات «2020-08-25»-----











































